

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی پژوهی، سال هفتم * شماره ۱۳ * بهار و تابستان ۱۴۰۰
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ * تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۱/۲۵ * صفحات: ۷-۲۶

بررسی مبنای فهم سلف از دیدگاه ابن تیمیه

* انسیه سعادت فر

** حسین رجبی

*** محمد معینی فر

چکیده

از ابن تیمیه به عنوان یکی از پیشگامان طرح حجیت فهم سلف، نام برده می شود. او با توضیح مفهوم سلف، سلف را فقط شامل افرادی می داند که در سه قرن اول اسلام زندگی می کردند. طبق این نظر، علمای خلف، شایسته فهم متون دینی نیستند و باید فهم خویش را با فهم سلف تصحیح کنند؛ زیرا فهم سلف بر خلف برتری دارد. هدف این مقاله، بررسی این سؤال است که آیا این مبنا حجیت دارد یا نه؟ آیا حجیت فهم سلف، اطلاق دارد یا مقید است؟ اساس بسیاری از فرقه های انحرافی به ویژه وهابیت به نظریه های ابن تیمیه برمی گردد؛ از این رو در این مقاله، دیدگاه ابن تیمیه بررسی می شود. در این پژوهش پس از تحلیل و بررسی دیدگاه ابن تیمیه در فهم سلف، به این مطلب دست پیدا کردیم که دلایل مورداستاد ابن تیمیه در حجیت فهم سلف یا دلالتی بر حجیت فهم سلف ندارند یا دلیل، اخص از مدعاست و گاهی دلایل، خلاف عقل و شواهد تاریخی می باشند. این موضوع، خود ما را به این نکته رهنمون می سازد که فهم سلف به عنوان یک مبنا، علمیتی ندارد. کلیدواژه ها: حجیت، سلف، فهم سلف، صحابه، ابن تیمیه.

* دانشجوی دکتری رشته مذاهب کلامی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول):

esaadatfar2014@gmail.com

** استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب؛ rajabimajid65@yahoo.com

*** استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب.

مقدمه

مسئله حجیت فهم سلف، نظریه‌ای است که برخی از علمای اهل سنت و نیز وهابیت مطرح کرده‌اند و سخت از آن دفاع می‌کنند و به لوازم آن نیز ملتزم هستند. بدیهی است که این مسئله در ساختار تفکر اسلامی، در همه ابعاد آن تأثیرگذار است. از طرفی مبانی اعتقادی وهابیت و سلفیت در جهان معاصر، آثار مخربی را بر جای گذاشته است. از آنجا که ابن تیمیه تأثیر ویژه‌ای در شکل‌گیری عقاید وهابیت و سلفیت داشته است، بررسی اندیشه‌های او در حقیقت، بررسی ریشه‌های فکری وهابیت و سلفیت خواهد بود.

ابن تیمیه بر این باور است که در فهم اعتقادات دینی، علاوه بر ظاهر آیات و سنت نبی ﷺ آرای سلف نیز از اعتبار برخوردارند و به‌عنوان یک حجت شرعی، قابل استناد هستند. این پژوهش بر اساس ماهیت و روش، در زمره تحقیقات توصیفی - تحلیلی بوده و برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای و اینترنت استفاده شده است که موضوع اصلی آن تحلیل و بررسی اندیشه ابن تیمیه در تبیین حجیت فهم سلف است و در نهایت روشن خواهد کرد که وی چگونه با اعتقاد به برتری آرای سلف بر خلف، دچار جمود فکری و کج‌فهمی در معارف دینی شده است. این امر، لطمات جبران‌ناپذیری بر پیکره جهان اسلام وارد کرده است. از طرفی مبنای فکری ابن تیمیه، دست‌آویز دشمنان اسلام قرار گرفته تا بتوانند هر چه بیشتر جهان اسلام را تحت سلطه خویش درآورند.

سلف

سَلَفٌ مصدر «سَلَفَ، يَسْلُفُ» به معنای پیشین و گذشته است.^۱ به بیان دیگر، سلف در لغت به معنای کسانی است که پیش از این آمده‌اند و از نظر سن و فضیلت نسبت به متأخرین بالاتر هستند. در حقیقت مردم هر دوره‌ای نسبت به دوره بعد خود «سلف» و نسبت به دوره قبل خود «خلف» نامیده می‌شوند.^۲ معنای رایج سلف نزد عامه مسلمانان، همان معنای ظاهری است، به معنای گذشتگانی که ملزم به قرآن و سنت بودند و برای حفظ و انتقال معارف اسلامی برای آیندگان مجاهدت کردند.

۱. ابن منظور، محمد، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۵۸.

۲. بوٹی، محمدرضان، السلفية مرحلة زمنية مباركة لا مذهب إسلامي، ص ۹.



معنای اصطلاحی سلف، ریشه در بدعتی دارد که ابن تیمیه در قرن هفتم ایجاد کرد. وی واژه سلف را در معنایی به کار برد که تا آن دوره، اندیشمندان اسلامی چنین معنایی از آن اراده نکرده بودند. از دیدگاه ابن تیمیه سلف کسانی هستند که در سه قرن اول اسلام می زیسته اند؛ از این رو دانشمندان و علمای خلف از دایره فهم متون دینی خارج می شوند. در حقیقت ابن تیمیه و پیروانش با حجت دانستن فهم سلف، منابع تشریح را در صحابه، تابعین و تابع تابعین محدود کردند.^۱

البته بعد از ابن تیمیه در اطلاق سلف، بین علمای اهل سنت اختلاف نظرهایی وجود دارد. برخی سلف را تنها به صحابه اطلاق می کنند. برخی دیگر سلف را تا شاگردان تابعان دانسته و گاه تا فقیهان صاحب مذهب، مانند ابوحنیفه تعمیم داده اند. گروه اندکی افزون بر موارد مذکور، شخصیت های متأخری چون ابوحامد غزالی، ابن تیمیه (۷۲۸ق)، ابن قیم جوزیه (۷۵۱ق) و محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶ق) را از اعضای سلف دانسته اند.^۲ عده ای دیگر، سلف را از ابوحنیفه تا محمد بن شیبانی تعمیم داده اند.^۳

فهم سلف

برای فهم سلف دو معنا قابل تصور است. یکی به معنای رأی و اجتهادی که سلف در قرون ثلاثه از نصوص شرعی ارائه کرده اند و دیگری به معنای قول، فعل و تقریر سلف که بیان کننده فهم سلف است. در این صورت، فهم سلف در معنای دوم، عام و گسترده خواهد بود.^۴

در این میان، مراد ابن تیمیه از فهم سلف عبارت است از علم و استنباطی که سلف در آنچه به مسائل علمی و عملی دین مربوط می شود، از نصوص شرعی به آن دست یافته اند و به صورت قول یا فعل یا اقرار از آنها نقل شده است.^۵ به شرط اینکه مخالف با نص یا قولی مانند آن نباشد. در صورتی که بر این مسائل اجماع کرده باشند یا

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الفتاوی، ج ۲، ص ۶۹۵-۶۹۴.

۲. فتحی، علی، جریان شناسی تفسیر سلفی، ص ۹. به نقل از: قواعد منهج السلفی فی فکر الاسلامی مصطفی حلمی، ص ۱۷۸.

۳. تهانوی، محمد، موسوعه الکشاف الفنون و العلوم، ج ۱، ص ۹۶۸.

۴. دمیجی، عبدالله، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعیة و الرد علی الشبهات حوله، ص ۴۰.

۵. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الفتاوی، ج ۱۷، ص ۳۵۳.



جمهور و اکثریت آنها چنین گفته باشند یا اینکه گفته یکی از آنها با وجود انتشار و آشکار شدن با مخالفتی مواجه نشده باشد.

اما اجتهاد فردی برخی از صحابه یا تابعین، در بیان برخی از احکام جزئی یا تفسیر فردی از برخی از آیات قرآنی که در آن اختلاف بوده یا اینکه چنین سخنی از آنها مشهور نیست، این موارد از تعریف خارج می شوند و نوعی فهم یا قولی از سلف می باشند نه فهم سلف و این دو با هم متفاوت هستند.^۱

ابن تیمیه در فهم نصوص، نگاه ظاهرگرایانه ای دارد؛ چنان که در باب صفات خبری معتقد است، سلف معنای صفات را فهمیده اند و نباید تأویل برده شوند؛ هر چند کیفیت آنها بر ایشان مجهول می باشد. همان طور که بر پیامبر ﷺ مجهول بوده است.^۲ او می گوید: «چگونه ممکن است خیر القرون (سه قرن اول) در باب علم به خدا و صفاتش قرآن را نفهمیده باشند؛ اما فلاسفه، اتباع هند و مجوس آن را درک کرده باشند».^۳

تقریر تئوری ابن تیمیه در حجیت فهم سلف

ابن تیمیه از نخستین کسانی است که مسئله بازگشت به اسلام سلف را مطرح کرد. او اذعان دارد که بعد از رسول خدا ﷺ دریافت کنندگان پیام وحی، صحابه بودند که خداوند آنها را برای هم نشینی با پیامبرش و رساندن و تبلیغ دین پس از وی برگزید و آنان به بهترین شکل از نظر فهم و علم و اعتقاد آن را اجرا کرده و امانت را به آیندگان یعنی تابعین و پیشوایان پس از خود رساندند؛ بنابراین حسب این بیان باید برای فهم نصوص به فهم سلف یعنی صحابه و تابعین و تابع تابعین مراجعه شود؛ زیرا دانش آنها کامل تر و سالم تر است و به همین دلیل بیش از همه حق و باطل را می شناسند. آنها بیش از دیگران دین الله را اجرا نموده و در راه الله از سرزنش هیچ سرزنشگری نمی هراسیدند و مصیبت ها آنان را از راه خدا باز نمی داشت؛ بلکه هر یک از آنان حقی را که علیه خودش بود به زبان می آورد و درباره محبوب ترین افرادش به سبب دین و ایمانش، سخن می گفت.^۴

۱. دمیحی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشریعه حقیقه و اهمیته و حجیته، ص ۲۸.

۲. ابن تیمیه، احمد، الفتوی الحمویة الکبری، ج ۱، ص ۴۱.

۳. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الفتاوی، ج ۴، ص ۲۰.

۴. دمیحی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشریعه حقیقه و اهمیته و حجیته، ص ۴۳.

ابن تیمیه تا آنجا پیش می‌رود که در کنار کتاب و سنت پیامبر ﷺ فهم سلف را نیز به‌عنوان یکی از منابع دین ذکر می‌کند. او می‌گوید: «احکام الهی از سه راه ثابت می‌شود: کتاب خدا، سنت پیامبر ﷺ و آنچه نخستین مسلمانان به آن عمل کرده‌اند و تمسک به غیر از این سه‌گانه، برای اثبات حکم شرعی، جایز نیست»^۱؛ بنابراین اعمال سلف، مطابق با اسلام بوده و عمل به آنها مرضی خداوند است. در غیر این صورت هر عملی بدعت محسوب می‌شود؛ چنان‌که در مجموع الفتاوی می‌گوید: «وقتی دور از پیروی سلف‌اند، به بدعت مشهورتر می‌باشند؛ پس دانسته شد که شعار اهل بدعت، ترک پیروی از جماعت سلف است»^۲.

به‌طور کلی فهم سلف در سه محور، قابل طرح است:

۱. فهم از اصول کلی درباره اصول یا فروع دین؛

۲. فهم نصوص شرعی؛

۳. اجتهاد در فهم موضوعی از موضوعاتی که نص شرعی به‌صراحت آن را بیان نکرده است.

حکم به حجیت در فهم نصوص با توجه به اینکه از صحابه باشد یا پایین‌تر از وی، بر آن اجماع باشد یا نه، متفاوت است. اگر بر آن حکم، اجماع باشد، حجت است و سخنی که از یکی از آنها نقل شده باشد و مشهور بوده و باوجود این، هیچ‌یک از آنها با آن مخالفت نکرده نیز به اجماع ملحق می‌شود و فرقی نمی‌کند که در اصول دین باشد یا در فروع آن؛^۳ البته باید میان قول صحابی و قول تابعین در استدلال و حجت‌بودن، تفاوت قائل شد.^۴ مسلماً عمل به فهم صحابه سزاوارتر از عمل به فهم تابعین است و عمل به فهم تابعین، شایسته‌تر از عمل به فهم تابع تابعین است؛ البته تابعین از این جهت متفاوت هستند. کسانی که از خود صحابه تفسیر نصوص را دریافت کرده‌اند با دیگرانی که این‌گونه نبودند برابر نیستند؛ از این‌رو در صورت عدم استناد قول و فهم به

۱. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۷۱.

۲. «فَلَمَّا كَانُوا أَبْعَدَ عَنْ مُتَابَعَةِ السَّلَفِ كَانُوا أَشْهَرَ بِالْبِدْعَةِ. فَعَلِمَ أَنَّ شِعَارَ أَهْلِ الْبِدْعِ: هُوَ تَرْكُ اتِّبَاعِ السَّلَفِ». (ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۱۵۵).

۳. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۵، ص ۷۹.

۴. دمیحی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشریعه حقیقه واهمیه و حجیه، ص ۳۵.

صحابه، آن قول برای مردمان بعد از تابعین، حجت نیست؛ هر چند اقوال آنها نزدیک به صواب هست.^۱

ابن تیمیه در بین سلف، برای صحابه و سیره آنان قداست ویژه‌ای قائل است. او صحابه را بهترین، بزرگوارترین و عالم‌ترین مردم به دین پیامبر ﷺ دانسته که آن را بر دوش حمل کرده و در نهایت آن را به مردم عرضه کردند. او در کتاب الصارم المسلول پس از ذکر فضایل و خصوصیات صحابه می‌گوید:

تاجایی که ما می‌دانیم در این باره علما و فقهای صحابه و تابعین و تمام اهل سنت و جماعت، اختلافی ندارند؛ زیرا همه اجماع دارند که بر امت محمدی واجب است به تمام صحابه کرام، مدح و ثنا گویند و برای آنها استغفار کنند و آنان را با دعای رحمت و رضای خدا یاد کنند.^۲

همچنین او معترف است که صحابه از گناه معصوم نیستند؛ بلکه صدور گناه از آنها ممکن است؛ اما فضایل و خدمات ارزنده آنان تا حدی است که مستوجب مغفرت آنها قرار می‌شود و وسعت مغفرت در خصوص آنان تا حدی است که در سایر افراد امت نیست.^۳ با این اوصاف، ابن تیمیه فهم صحابه را برتر و کامل‌تر و عالمانه‌تر از فهم متأخرین پنداشته و آن را حجت می‌داند؛ چنان‌که شاگردش ابن قیم جوزی در تصدیق سخن استاد می‌نویسد: «فهم صحابه، فوق افهام امت است. آنان عالم به مقاصد نبی ﷺ هستند. همچنین علم آنها در قواعد دینی و شرعی کامل‌تر از متأخرین است.»^۴ ابن تیمیه در جایی دیگر به نقل از احمد حنبل می‌نویسد:

هیچ مسئله‌ای وجود ندارد؛ مگر اینکه صحابه درباره آن یا شبیه آن سخن گفته‌اند؛ زیرا هنگامی که سرزمین‌ها فتح و اسلام منتشر شد، در همه زمین‌ها، امور جدیدی پدید آمد؛ پس آنها بر اساس قرآن و سنت درباره آن سخن گفتند و برخی از آنها در مسائل اندکی بر اساس نظر خویش نیز سخن گفتند.^۵

درحقیقت ابن تیمیه با این بیان، دامنه حجیت فهم صحابه را به بیش از مسائل اصول

۱. ابن تیمیه، احمد، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۴۵.
 ۲. ابن تیمیه، احمد، الصارم المسلول، ج ۶، ص ۶۹.
 ۳. ابن تیمیه، احمد، العقیده الواسطیه، ص ۴۰۶.
 ۴. ابن قیم، جوزیه، الطرق الحکمیه، ج ۱، ص ۳۲۴.
 ۵. ابن تیمیه، احمد، مجموعه الفتاوی، ج ۴، ص ۲۰۸.

و فروع دین گسترش می‌دهد.^۱

ادله ابن تیمیه در حجیت فهم سلف و نقد آن

ادعای مقام حجیت فهم سلف و معرفی آنان به عنوان حجت خداوند و حاملان شریعت در اَمت اسلامی، آن هم با استفاده از آیات و روایات، مطلب بسیار مهم و سرنوشت‌سازی است که هر انسان دین‌مدار را به فکر وامی‌دارد؛ از این‌رو فهم دقیق و همه‌جانبه آیات و روایات می‌تواند، موجب روشن‌گری اذهان شود. این درحالی است که ابن تیمیه و هم‌مسئکانش با سطحی‌نگری و توجه به ظواهر آیات، برخی از وقایع تاریخی را به نحوی وارونه جلوه می‌دهند. آنان برای دستیابی به پشتوانه علمی و منطقی جلوه دادن طرح اثبات مقام حجیت برای سلف، به شواهد و ادله‌ای از عمومات آیات قرآن و احادیث نبوی دست زده‌اند. در اینجا به مواردی از این ادله اشاره می‌شود:

دلیل اول: رضایتمندی خدا از سلف

یکی از دلایلی نقلی که ابن تیمیه و پیروانش بر حجیت فهم سلف به آن تمسک می‌کنند، آیه ۱۰۰ سوره توبه است. خداوند در این آیه می‌فرماید:

نخستین افراد از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنان پیروی کردند، خداوند از آنان راضی است و ایشان نیز از خدا راضی هستند و (خداوند) باغ‌هایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است. جاودانه در آن خواهند ماند و این است پیروزی بزرگ.^۲

ابن تیمیه با استناد به این آیه، معتقد است که خداوند همواره از سلف راضی بوده و این رضایت، مطلق است؛ یعنی هم از عمل ایشان خشنود بوده و هم از باورهای آنها رضایت داشته است؛ بنابراین فهم سلف به دلیل رضایت خداوند و درک درست ایشان از مراد خدا و رسولش، بر خلف برتری دارد؛ لذا همه باید برای فهم معارف الهی به فهم سلف رجوع کنند.^۳ ابن قیم شاگرد ابن تیمیه نیز در تأیید سخن استادش می‌نویسد: «مدح

۱. محیطی، مجتبی، «بررسی حجیت فهم سلف از دیدگاه سلفیه»، فصلنامه سراج منیر، ش ۲۵، ص ۲۳۰.

۲. «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ...».

۳. ابن تیمیه، الصارم المسلول، ص ۵۶.



خداوند دلیلی بر درستی و حجیت فهم سلف است؛ بنابراین اگر کسی بدون تأمل و بررسی در درستی یا نادرستی اقوال سلف، از قول آنان پیروی کند، شایسته مدح و بهشت خواهد بود.^۱

ارزیابی دلیل

اولاً: دلیل، اخص از مدعا است؛ زیرا واژه «مِن» در آیه، بیانیه نیست تا بر تمامی سلف دلالت کند؛ بلکه شامل برخی از اصحاب پیامبر ﷺ می‌شود؛ چنان‌که در برخی از تفاسیر اهل سنت، تصریح شده است که «مِن» در آیه ۱۰۰ سوره توبه، تبعیضیه است نه بیانیه. نظام‌الدین نیشابوری صاحب تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان می‌نویسد: «قال اکثر العلماء کلمه «مِن» فی قوله «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ» لتبعیض».^۲ همچنین ابن‌عاشور در تفسیر التحریر و التنویر «مِن» را تبعیضیه می‌داند نه بیانیه.^۳ با توجه به شواهد و قرائن تاریخی موجود، مقصود از نخستین افراد، کسانی هستند که قبل از هجرت ایمان آوردند و پیش از واقعه بدر، مهاجرت کردند یا به پیامبر ﷺ ایمان آوردند و او را منزل دادند. در واقع مقصود و ملاک برتری، سبقت در ایمان به خدا و رسول خدا ﷺ است نه هم‌عصر یا هم‌کلام بودن با پیامبر ﷺ؛ بنابراین از سیاق آیه، مشخص می‌شود که عمومیتی وجود ندارد؛^۴ چراکه برخی از اصحاب پیامبر ﷺ و برخی از تابعین، بیمار دل و منافق بودند و عده‌ای دیگر فاسق، مانند ولید بن عقبه که از صحابه پیامبر ﷺ بود؛ اما از راه خدا منحرف شد؛^۵ پس این ادعا شامل حجیت فهم همه صحابه و تابعین نمی‌شود.

نکته حائز اهمیت دیگر، وجود اختلاف بین پیشگامان اسلام است؛ چراکه بی‌تردید حضرت علی رضی الله عنه از مصادیق «وَالسَّابِقُونَ الْأُولُونَ» است و از آغاز رسالت، همراه پیامبر ﷺ بوده و ابوبکر و عمر، طبق روایات اهل سنت بعد از پنجاه یا چهل نفر، اظهار اسلام کرده و از پیشگامان اسلام هستند.^۶ اکنون این سؤال مطرح می‌شود: آیا

۱. ابن‌قیم، جوزیه، اعلام الوقیعین عن رب العالمین، ج ۴، ص ۱۲۶.

۲. نظام‌الدین نیشابوری، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن، ج ۳، ص ۵۲۴.

۳. ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، ج ۱۰، ص ۱۹۲.

۴. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۳۷۴.

۵. حجرات، ۶.

۶. حسینی میلانی، علی، عدالت صحابه (بررسی و نقد)، ج ۱، ص ۱۲۱.

برتری دادن شیخین بر حضرت علی علیه السلام توسط اهل سنت با مبنای حجیت فهم سلف سازگار است؟

ثانیاً: مدح به معنای برتری فهم نیست. آیه ۱۰۰ سوره توبه در مقام مدح و ثنای گروهی از مسلمانان است؛ اما این گروه، خاص صحابه نیست؛ زیرا اهل علم در تفسیر آیه، سه وجه (احتمال) را ذکر می‌کنند:

۱. خدا از آنان به سبب ایمانشان راضی است و آنان از پاداش خدا راضی هستند؛
۲. خدا از آنها به جهت عبادتشان راضی است و آنها به جهت جزای عبادتشان از خدا راضی هستند؛

۳. خدا از آنان به دلیل اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم راضی شد و آنان با پذیرفتن آن راضی شدند.^۱

از وجوه مختلف ذکر شده، می‌توان به این مطلب رسید که حکم به فضیلت مهاجر و انصار و پیروانشان و خشنودی خداوند از آنها به ایمان و عمل صالح آنها برمی‌گردد.^۲ اگر در طول تاریخ، مؤمنانی که دارای چنین اوصافی باشند، خدا نیز از آنها راضی خواهد بود؛ چنانچه مؤمنانی از اسلاف و آینده، راهی برخلاف کتاب و سنت در قرآن پیش گیرند، قطعاً رضایت خداوند را از دست خواهند داد؛ بنابراین رضایت خدا از سلف، نسبی است و رضایت‌مندی پیشین، گواه بر رضایت‌مندی بعدی نیست؛ لذا صرف صحابی بودن و رؤیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا از تابعین بودن، ملاک برتری نیست.^۳ حال اگر بنا بر فرض، اطلاق مدح در آیه و رضایت‌مندی خداوند در تمام حالات آنها را بپذیریم، باز هم دلیل بر آن نیست که فهم آنها بر ما حجت باشد؛ زیرا بین رضایت خداوند از صحابه و سلف و حجیت ایشان، تلازمی وجود ندارد؛ چراکه ممکن است در امری خطا کرده باشند و خداوند به سبب ندامت و تلاش آنان، از خطایشان چشم‌پوشی کرده باشد و این چشم‌پوشی به منزله تأیید همه اعمال و عقاید آنها نیست.

از طرفی اگر مدح کردن گروهی و اعلام رضایت‌مندی از آنها مستلزم حجیت فهم آنان

۱. قاسمی، محمد جمال‌الدین، محاسن التأویل، ج ۲، ص ۳۹۵.

۲. حجرات، ۱۳.

۳. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، ج ۳، ص ۳۹۳.

بر دیگران می‌شود؛ پس باید فهم همه کسانی که در قرآن، مورد مدح و رضایتمندی خدا هستند، اعم از مؤمنین^۱ و راستگویان^۲ بر دیگران حجت باشد؛ حال آنکه این امر، عقلاً محال است و خود وهابی‌ها آن را قبول ندارند.

ثالثاً: نکته حائز اهمیت در اینجا پاسخ به این سؤال است که مصادیق «الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ» چه کسانی هستند؟ ابن تیمیه و برخی از اهل تسنن، قائل به انحصار مصادیق «الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ» در تابعین و تابع تابعین هستند؛ درحالی‌که عده‌ای از مفسران اهل سنت و شیعه قائل اند که تبعیت به شرط احسان، شامل همه مسلمانان تا روز قیامت می‌شود. فخر رازی در این باره می‌نویسد: «وأخرج عن ابن زید فی قوله والذین اتبعوهم باحسان قال من بقى من اهل الاسلام الى تقوم الساعة؛ در قول ابن زید آمده است: «عبارة» (والذین اتبعوهم) شامل همه مسلمانانی است که تا روز قیامت خواهند بود».^۳ مشابه همین عبارت را سیوطی در الدرالمنثور آورده است.^۴

ب. علامه طباطبایی نیز در این باره می‌گوید: «چون آیه به عصر خاص و معینی مقید نشده است؛ لذا «الَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ» شامل همه مسلمانان تا روز قیامت می‌شود»؛^۵ بنابراین اگر بپذیریم آیه بر حجیت فهم سلف دلالت می‌کند؛ پس باید بپذیریم فهم تمام مسلمانان تا روز قیامت نیز حجت است؛ درحالی‌که به چنین امری اعتقاد نداریم و خلاف عقل و منطق است.

با توجه به نکات مذکور، ثابت شد که آیه ۱۰۰ سوره توبه، نمی‌تواند ملاکی برای تعیین صحت فهم سلف باشد؛ زیرا اولاً: انحصار خطاب آیه به صحابه و تابعین به جهت نبود قرینه، خطاست. ثانیاً: صرف حضور و اسلام آوردن، مستلزم رضایتمندی خداوند نیست؛ بلکه ملاک خشنودی خداوند، سبقت در ایمان و باقی ماندن بر آن است. از طرفی رضایت الهی نشانه حجیت فهم سلف در همه ابعاد دین نیست.

۱. احزاب، ۳۵.

۲. مانده، ۱۱۹.

۳. فخرالدین رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

۴. سیوطی، الدرالمنثور من تفسیر بالمأثور، ج ۳، ص ۲۱۷.

۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۵۰۵.

دلیل دوم: روایت خیر القرون

حدیث «خیر القرون» که از طریق عمران بن حصین و عبدالله بن مسعود در صحیحین از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است در بین اهل تسنن جایگاه خاصی دارد. ابن تیمیه این حدیث را متواتر و صحیح‌السند می‌داند.^۱

«بهترین مردم، در قرن من هستند؛ سپس کسانی که پس از آنها می‌آیند؛ سپس کسانی که پس از آنها می‌آیند».^۲

ابن تیمیه و پیروانش، برای اثبات مدعای خود، مبنی بر حجیت فهم سلف، مفاد این حدیث مذکور را نشانگر برتر بودن سه نسل نخست حیات امت اسلامی از دیگر مسلمانان می‌دانند. آنها هر قرن را معادل صد سال گرفته‌اند و دوران سلف را معمولاً سیصد سال می‌پندارند. آنان معتقدند واژه «خیر» اطلاق دارد؛ یعنی این خیریت در فهم، دین، علم و فضل است و شامل همه رفتارهای خوب سلف می‌شود؛ از این رو باید در همه امور، فهم سلف را بر دیگران برتری داد.^۳

ارزیابی دلیل

اولاً: با رجوع به اصل کلمه (ق. ر. ن) و دقت در معنای آن درمی‌یابیم که این واژه در حدیث مذکور، به محدوده زمانی خاصی اشاره ندارد؛^۴ لذا قرن، محدود به صد سال، کمتر یا بیشتر نمی‌شود.

ثانیاً: خیریت مذکور در حدیث، شامل همه سلف نمی‌شود؛ زیرا قرآن به شایسته نبودن برخی از آنان شهادت داده است؛ چنان‌که برخی صحابه را منافقان و صاحب قلب‌های بیمار معرفی می‌کند^۵ و برخی دیگر از آنان را افراد در آستانه ارتداد و مسلمانان بدون ایمان می‌داند.^۶ از طرفی در حوزه عقاید، مذاهب انحرافی مانند

۱. ابن تیمیه، احمد، اقامه الدلیل علی ابطال التحلیل، ج ۴، ص ۳۶۰.

۲. «خَيْرُ الْقُرُونِ الْقُرْنُ الَّذِي بَعَثْتُ فِيهِمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ، ثُمَّ الَّذِينَ يَلُونَهُمْ». (ابن تیمیه، احمد، الوصیه الكبرى، ج ۱، ص ۲۲).

۳. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی الكبرى، ج ۴، ص ۱۵۸.

۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، ج ۱، ص ۴۰۱.

۵. منافقون، ۲.

۶. حجرات، ۱۴.



مرجئه، کرامیه، جهمییه و کلاییه، شکل گرفتند که اعتقادات آنان بسیار سخیف و کم‌اهمیت است. حال آیا با این اوصاف می‌توان همه مسلمانان قرون نخستین را بهترین دانست؟ در قرون نخستین، جنگ‌ها و حوادث تلخی به‌وقوع پیوسته است؛ مانند جنگ جمل، صفین و نهروان که در هر یک از آنها تعدادی از صحابه در مقابل تعدادی دیگر شمشیر زدند و حوادثی که بیان می‌کند، نمی‌توان قرون نخستین اسلام را بهترین قرن‌ها نامید.

ثالثاً: حدیث مذکور در کتب اهل سنت با عبارات مختلفی آمده است. «خیرالناس»، «خیرامتی»، «خیرکم» و «خیرالقرون». به‌نظر می‌رسد، صحت حدیث، مورد تردید است. این حدیث از سوی برخی از علمای اهل سنت نیز از لحاظ سندی، ضعیف شمرده شده است؛ چراکه در سند روایی آن، افراد مجهول یا کذاب، حضور دارند.^۱

بنابراین حدیث خیرالقرون، بر فرض صحت سند، تنها بر برتری دوران حیات پیامبر ﷺ به جهت وجود شریف ایشان دلالت می‌کند و هیچ دلالتی بر برتری فهم سلف بر خلف ندارد. شایان ذکر است که این حدیث یا در منابع شیعی نیامده یا اگر ذکر شده، همراه با نقد و اشکال می‌باشد.

دلیل سوم: اعتبار فهم سلف به درایت عقل

۱. سلف شاهدان نزول وحی

یکی از وسایل عمده درک و فهم معنای نصوص شرعی اعم از آیات و احادیث نبوی، شأن نزول آیات و شأن ورود احادیث و اقوال پیامبر ﷺ است. مدعیان برتری سلف بر خلف معتقدند از آنجاکه اصحاب، در نزد رسول الله ﷺ حضور مستمر داشتند و شاهد نزول وحی بودند به فهم اسباب نزول از همه کس داناتر هستند و هیچ‌گاه کسی بعد از هزار سال به فهم ایشان نمی‌رسد.

ارزیابی دلیل

این سخن که معنای فهم آیات الهی جز با فهمیدن سبب نزول آن آشکار نمی‌شود، مطلب درستی است؛ اما این فهم، منحصر در شاهدان نزول آیات نیست؛ چراکه بعضی

۱. رضوانی، علی اصغر، نقدی بر نظریه عدالت و مرجعیت دینی صحابه، ص ۱۱۹.

از آیات الهی توسط سلف، تبیین و تفسیر نشده؛ لکن با گذشت زمان و رشد و بلوغ فکری آیندگان، تفسیر و تبیین شده است.

۲. سلف نزدیک‌ترین مردمان به عصر نبوی

اهل سنت قرب زمانی صحابه، تابعین و اتباع تابعین به دوره حیات پیامبر اسلام ﷺ را به عنوان یکی از دلایل فهم بهتر و درک عالی تر سلف از معانی نصوص شرعی می‌دانند. آنها معتقدند چون صحابه، پیامبر ﷺ را مشاهده کرده و با ایشان بوده‌اند، معانی و مقصود قرآن را بهتر درک کرده؛ لذا فهم ایشان در مسائل مختلف، شایسته‌ترین فهم و قابل اعتماد است. هم‌چنین تابعین و تابع تابعین نیز فهمشان برتر از دیگر مردم است؛ چون به زمان پیامبر ﷺ نزدیک‌تر هستند. به همین جهت در مسائل مختلف دینی، اجتماعی و سیاسی باید فهم آنان را بر دیگر فهم‌ها برتری داد و هرگز از آن عدول نکرد. ابن تیمیه می‌گوید:

برای صحابه در شناخت مفاهیم قرآن، سنت و احوال پیامبر ﷺ مقامی است که اکثر متأخران از فهم آن عاجز هستند؛ زیرا آنان پیامبر ﷺ را مشاهده و در عصر رسالت زندگی و سخنان، افعال و احوال پیامبر ﷺ را با تمام وجود دریافت کرده‌اند. شکی نیست که وضعیت تابعین، متفاوت است. تفسیر کسانی که صحابه را دیده‌اند با کسانی که آنها را ندیده‌اند، یکسان نیست. تابعین در جایگاه صحابه نیستند؛ اما قولشان به صواب نزدیک است... شکی نیست هر چه از عهد رسول خدا ﷺ دور بشویم از ارزش قول کم می‌شود؛ لذا رجوع به فهم سلف اهمیت دارد و غالب اجتهادات متأخرین یا نیاز به تأمل مجدد دارد یا دور از صواب است.^۱

ارزیابی دلیل

اولاً: نباید صحابه را در درک و فهم نصوص در یک ردیف و مرتبه قرار داد؛ زیرا اصولاً انسان‌ها از نظر هوش، متفاوت هستند. از طرفی طول مدت همراهی صحابه با پیامبر ﷺ نیز مختلف بوده است.^۲

ثانیاً: دیدن پیامبر ﷺ سبب حجیت صحابه نمی‌شود؛ چراکه منافقینی چون معاویه

۱. ابن تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی الکبری، ج ۱۹، ص ۲۰۰.

۲. میرزایی، علیرضا؛ الله‌نیا، محمد، نقدپذیری نگاه سلفیه در باب حجیت فهم سلف، ص ۱۳۹.

و عمرو عاص نیز پیامبر ﷺ را دیده‌اند، حال چگونه ممکن است این اشخاص معلوم الحال، جزو صحابه بوده و فهمشان حجت باشد!

ثالثاً: مسلمانان قرون اولیه پس از اسلام در درک مسائل اعتقادی و فهم آیات با هم اختلاف نظر داشتند؛ لذا هیچ قرائت ثابتی از دین وجود نداشت؛ از این رو مکاتب فکری متعددی شکل گرفت. نمونه‌ای از این اختلاف را در سخن عمرو بن شعیب می‌بینیم: پیامبر اکرم ﷺ وارد بر اصحاب شدند؛ در حالی که آنان با یکدیگر در مسئله «قدر» در حال مخاصمه بودند. چهره پیامبر ﷺ از شدت ناراحتی برافروخته شد و فرمودند: آیا شما به این کارها امر شدید؟ برخی آیات قرآن را بر برخی دیگر ترجیح می‌دهید! امت‌های پیشین به همین جهت هلاک شدند.^۲

بنابراین سلفی که حتی در مسائل عقیدتی نیز با یکدیگر اختلاف دارند؛ چگونه فهم آنان می‌تواند حجت و ملاک درستی و هدایت باشد؟

۳. سلف مشتاق‌ترین افراد در فراگیری علم و فهم نصوص

سلف مشتاق‌ترین افراد برای فهم نصوص و یادگیری علوم هستند؛ چراکه همواره در پی فهم و درک، حفظ و تفسیر قرآن بودند. آگاه به معانی نصوص بوده و همواره از سخنان پیامبر ﷺ برای فهم و تفسیر نصوص بهره می‌جستند. ابن تیمیه در این باره می‌گوید: ما می‌دانیم که صحابه و تابعین و تابع تابعین، قرآن را خوانده و نسبت به تفسیر و معانی آن عالم‌ترند؛ چنان‌که آنها به حقی که الله، پیامبرش ﷺ را به سبب آن مبعوث نمود، داناترند؛ پس هر کس با قول آنها مخالفت کرده و قرآن را برخلاف تفسیرهایشان تفسیر کند، هم در دلیل و هم در محتوی به اشتباه رفته است.^۳

سلف امت بهترین و مشتاق‌ترین افراد در کسب علم و فهم قرآن و سنت بوده‌اند؛ از این رو قولشان حجت و قابل استناد است.

۱. همان.

۲. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۳.

۳. «نَعَلِمُ أَنَّ الصَّحَابَةَ وَ اتِّبَاعَهُمْ وَ اتِّبَاعَ الْقُرْآنِ قَدْ قَرَأُوا الْقُرْآنَ وَ أَعْلَمُوا بِتَفْسِيرِهِ وَ مَعَانِيهِ، وَ هُمْ أَعْلَمُ بِحَقِيقَةِ أَنَّ اللَّهَ مِنْ أَجْلِهِ بَعَثَ اللَّهَ نَبِيَّهُ فَيَكُونُ الْجَمِيعُ بِكَلَامِهِمْ. إِنَّ مُعَارَضَةَ الْقُرْآنِ وَ تَفْسِيرَهُ عَلَى عَكْسِ تَأْوِيلَاتِهِمْ، قَدْ أَخْطَأَ فِي الْعَقْلِ وَ الْمَضْمُونِ.» (ابن تیمیه، احمد، مقدمة في أصول التفسير، ج ۳، باب المرجح في التفسير القرآن، ص ۳).

ارزیابی دلیل

همه صحابه، مشتاق و پیگیر درک درستی از نصوص نبودند؛ بلکه به ظاهر آیات اکتفا می‌کردند؛ لذا از مدعیان برتری فهم سلف باید پرسید چگونه است که با این همه اشتیاق، برخی از آیات الهی از سوی صحابه تحقیق و تفسیر نشده است؟ افزون بر این، اگر قرار باشد که فهم و درک صحابه در تفسیر آیات، حجت باشد، قطعاً فهم رسول خدا ﷺ از آیات الهی که آورنده قرآن است بر فهم صحابه ترجیح دارد. آنجا که پیامبر ﷺ تمسک به کتاب در کنار تمسک به اهل بیت علیهم السلام را توصیه فرموده و آن را موجب هدایت انسان در فهم بهتر دین می‌شمارد، عده‌ای به این توصیه، بی‌اعتنایی کرده و به فهم عموم صحابه و تابعین، اولویت می‌دهند. حال چگونه می‌توان درک صحابی را که معدودی از آنان دارای علم و فقاهاست بودند، بر مسلمین اعصار بعد که دارای تحصیلات عالی دینی شده‌اند، مقدم دانست؟^۱

۴. سلف آگاه‌ترین افراد به زبان قرآن کریم

یکی دیگر از دلایلی که ابن تیمیه و پیروانشان در حجیت فهم سلف به آن استناد می‌کنند، آشنایی و شناخت کامل صحابه و اصحاب ایشان به زبان عربی است که همان زبان قرآن می‌باشد.^۲ زبانی که در میان آنها رواج داشته است، بی‌آنکه آموزش دیده یا اسلوب‌هایش را بیاموزند. هیچ زبانی شیواتر و استوارتر و محکم‌تر از زبان اهل قرون فاضله وجود ندارد و اولی‌تر از همه آنها در این فضیلت صحابه هستند.^۳ ابن تیمیه می‌گوید:

هرکس طبیعت کلام صحابه که با آن سخن گفته و رسول الله ﷺ نیز از آن طریق، آنها را مورد خطاب قرار می‌داد، نداند، سخن را تحریف می‌کند؛ زیرا بسیاری از افراد با اصطلاح و عادت قوم خویش در به‌کاربردن الفاظ رشد می‌یابند؛ سپس این الفاظ را در کلام الله یا رسولش یا صحابه مشاهده کرده و گمان می‌کنند که مراد الله، رسولش یا صحابه از این الفاظ، همان چیزی است که در عرف و اصطلاح او به کار می‌رود، حال آنکه مراد الله، رسولش

۱. میرزایی، همان، ص ۱۶۵-۱۳۹.

۲. «بِلِسَانِ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ». (شعراء، ۱۹۵).

۳. دمیحی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشریعه حقیقه واهمیه و حجیه، ص ۵۳.

و صحابه برخلاف آن است.^۱

بنا بر آنچه گفته شد، مدعیان برتری سلف بر خلف مدعی هستند که زبان نسل صحابه و پیروان آنها همان زبانی است که برای فهم کلام الله و سخنان رسولش ﷺ لازم است، نه آنچه متأخرین از آن استفاده می‌کنند، چه بسا زبان متأخرین مجمل و شبه‌برانگیز است.

ارزیابی دلیل

قرآن به‌عنوان منبع الهی قرار است هدایتگر انسان به سوی سعادت دنیوی و اخروی باشد و راز جاودانگی‌اش در آن است که در طول همه اعصار و هم‌زمان با رشد عقلی بشر همچنان در خدمت انسان برای رسیدن به سعادت و کمال باشد. انسان هرچه بیشتر و عمیق‌تر در قرآن فحص می‌کند، به یافته‌های جدیدی دست می‌یابد که روشنگر زندگی اوست؛ بنابراین هر چه زمان بیشتر می‌گذرد، فهم بشر نسبت به آیات الهی عمیق‌تر و کامل‌تر خواهد بود و نسبت به فهم سلف برتری دارد.^۲

این مطلب روشن است که قرآن به لغت عرب و اسالیب عربی نازل شده؛ اما از این نمی‌توان نتیجه گرفت که پس تمام صحابه عرب‌زبان و شاهد نزول وحی، همه معانی قرآن را در مفردات و جملات آن در یک سطح درک می‌کردند. ذهبی ضمن نقد دیدگاه ابن‌خلدون (که همه صحابه را صاحب فهم معانی قرآن می‌داند به این دلیل که قرآن به زبان آنان نازل شده) به این حقیقت، معترف است.

مبانی تنوریک نقدپذیری فهم سلف

تا اینجا ادله ابن‌تیمیه در حجیت فهم سلف را بررسی کردیم و از سستی و بی‌پایگی مدعی‌ای او سخن گفتیم. اینک به چند نکته می‌پردازیم؛ اول آنکه: فهم سلف نه تنها همواره برتر و کامل‌تر نیست؛ بلکه گاهی قابل نقد است؛ چراکه دین، حقیقتی و حیانی است که توسط پیامبر اکرم ﷺ به دست بشر رسانده شده است و در آن تناقضی نیست؛ لکن فهم غیر معصوم از آن، ممکن است دچار تناقضاتی باشد. دوم آنکه: در

۱. ابن‌تیمیه، احمد، مجموع الفتاوی، ج ۱، ص ۲۴۳.

۲. میرزایی، همان، ص ۱۶۰.

جایز الخطا بودن، بین فهم خلف و سلف فرقی نیست و همه فهم‌ها به غیر از معصوم، به‌طور یکسان در معرض خطا قرار دارند. علمای سلف، خود به خطاپذیری فهم خویش از دین اعتراف داشتند. سوم آنکه: به اعتراف علمای^۱ سلف، بسیاری از احکام در اثر دگرگونی زمان، دچار تغییر می‌شوند. به بیان دیگر فهم بشر از دین تحت تأثیر زمینه و زمانه‌ای که در آن زندگی می‌کند، قرار می‌گیرد.^۲

بنابراین برای کاربردی‌سازی معرفتی دینی و حل مشکلات و چالش‌های جدید دوران معاصر، لازم است، معنا و فهم سلف به‌درستی بازشناسی و بازخوانی شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت سلف و نقش آن در طول تاریخ، به حکم عقل، معنایی دقیق خلاف آنچه ابن تیمیه بیان می‌کند، قابل‌تصور است. ابن تیمیه سعی دارد با توضیح معنای سلف، فهم سلف را بر خلف برتری دهد؛ اما همان‌طور که گفته شد، این برتری خلاف عقل و نقل است.

با بررسی و تحلیل اندیشه و افکار ابن تیمیه حرّانی در موضوع حجیت فهم سلف به این مطلب پی می‌بریم که او سلف را معصوم نمی‌داند؛ اما تلویحاً به پاکی و دوری ایشان از خطا اذعان دارد؛ از این‌رو فهم ایشان را در صورت شهرت و عدم مخالف، حجت می‌داند؛ درحالی‌که دلیل و سند محکمی بر حجیت فهم سلف به‌ویژه صحابه پیامبر ﷺ که درخور توجه باشد، ارائه نداده است؛ زیرا آیات مورد استناد وی مانند آیه ۱۰۰ سوره توبه، بر اثبات حجیت فهم سلف دلالتی ندارد؛ زیرا تنها بر برتری تعداد معدود و محدودی از صحابه پیامبر ﷺ گواهِ است و هیچ‌گونه دلالتی بر حجیت فهم سلف به‌صورت مطلق ندارد. احادیث مورد استناد ابن تیمیه که در این مقاله تنها به یک مورد مشهور آن اشاره شد نیز بر حجیت فهم سلف دلالتی ندارد؛ زیرا این احادیث به‌ویژه حدیث مذکور علاوه بر اینکه دچار ضعف سندی هستند، اخص از مدعا نیز می‌باشند؛ پس نمی‌توانند حجیت فهم سلف را به اثبات برسانند.

به نظر می‌رسد، این مبانی فکری ابن تیمیه در تبیین معارف دینی و اتکای افراطی‌اش

۱. ابن قیم در کتاب إعلام الموقعین، یک فصل کامل را به این موضوع اختصاص داده است.

۲. صالحی، عبدالکبیر، «راهایی خلف از اسارت سلف»، ۱۳۹۶ش، به نقل از: سایت mandegar.

بر ظواهر کلام الهی و افکار مسلمانان صدر اسلام، (سلف) افزون بر اینکه توجیه معقولی ندارد، آثار نامطلوبی از جمله: زمینه‌سازی جهت ایجاد فرقه‌های انحرافی، ایجاد و توسعه تروریسم در جهان، ایجاد انحطاط و عقب‌ماندگی مسلمانان، تعطیلی عقل و بسته‌شدن باب علم و معرفت را به دنبال دارد و سرانجام به دلیل عدم وحدت سلف در فهم و تبیین متون دینی، مردم دچار تشتت و سرگردانی می‌شوند؛ از این رو سنجش نقادانه و ارزیابی آسیب‌شناسانه اندیشه سلف، مشروع، مطلوب و ضروری است.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم لمخالفة أصحاب الجحیم، بیروت: دارعالم الکتب، چاپ هفتم، ۱۹۹۹م.
۳. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الصارم المسلول، تحقیق: محمد الحلوانی، بیروت: دار ابن حزم، دارعالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۴. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتوی الحمویة الكبرى، تحقیق: التویجری، ریاض: دار الصمیعی، چاپ دوم، بی تا.
۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموعة الفتاوی، ریاض: مکتبه العیکان، ۱۴۱۹ق.
۶. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مقدمة فی أصول التفسیر، باب المرجح فی التفسیر القرآن، ریاض: دارالمؤید، ۲۰۰۲م.
۷. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، منهاج السنة، تحقیق: سالم، محمد رشاد، ریاض: وزارت التعلیم العالی، ۱۴۰۶ق.
۸. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، العقیده الواسطیه، بیروت: دار مکتبه الحیاة، چاپ اول، ۱۹۸۰م.
۹. ابن عاشور، محمد بن طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۰. ابن قیم، جوزیه، محمد بن ابی بکر، اعلام الوقیعین عن رب العالمین، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۹۹۱م.
۱۱. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، الطرق الحکمیة، تحقیق: نایف أحمد، مکه: دارعالم الفوائد، ۱۴۲۸ق.
۱۲. ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، بیروت: دارالفکر، ۱۹۸۵م.
۱۳. ابن منظور، محمد، لسان العرب، بیروت: دار البیروت، چاپ سوم، ۱۹۵۶م.
۱۴. ابوحیان، اندلسی، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۱۵. آلوسی، محمود، المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبد الباری عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۶. بوطی، محمد رمضان، السلفیة مرحلة زمنية مباركة لا مذهب إسلامي، دمشق: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۷. تهانوی، محمد، موسوعه الکشاف الفنون و العلوم، بیروت: مکتبه لبنان، ۱۹۹۶م.
۱۸. حسینی میلانی، علی، عدالت صحابه (بررسی و نقد)، قم: الحقایق، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.



۱۹. حلمی، مصطفی، قواعد منهج السلفی فی فکر الاسلامی، اسکندریه: دارالدعوه، ۱۴۱۶ق.
۲۰. دمیجی، عبدالله بن عمر، حقیقت واهمیت فهم نصوص شرعی توسط سلف صالح، بی‌جا: بی‌نا، چاپ اول، ۱۴۳۷ق.
۲۱. دمیجی، عبدالله بن عمر، فهم السلف الصالح للنصوص الشرعیه و الرد علی الشبهات حوله، ریاض: مکتبه الملك فهد الوطنیه، چاپ دوم، ۱۴۳۷ق.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن، بی‌جا: بی‌چا، بی‌تا.
۲۳. رضوانی، علی اصغر، نقدی بر نظریه عدالت و مرجعیت دینی صحابه، قم: دلیل ما، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۲۴. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ دوم، ۱۳۸۹ش.
۲۵. سیوطی، الدر المنثور من تفسیر بالمأثور، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۶. صالحی، عبدالکبیر، «رهایی خلف از اسارت سلف»، ۱۳۹۶ش، به نقل از سایت: mandegar
۲۷. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بی-تا.
۲۸. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۷۹ش.
۲۹. فتحی، علی، جریان‌شناسی تفسیر سلفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۷ش.
۳۰. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۳۱. قاسمی، محمد جمال‌الدین، محاسن التأویل، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۳۲. مارودی، علی بن محمد، النکت و العیون، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی‌چا، بی‌تا.
۳۳. محیطی، مجتبی، «بررسی حجیت فهم سلف از دیدگاه سلفیه»، فصلنامه سراج منیر، سال هفتم، ش ۲۵، ۱۳۹۶ش.
۳۴. مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
۳۵. میرزایی، علیرضا؛ الله‌نیا، محمد، «نقدپذیری نگاه سلفیه در باب حجیت فهم سلف»، فصلنامه علمی انسان‌پژوهی، سال یازدهم، ش ۳۲، ۱۳۹۳ش.
۳۶. نظام‌الدین نیشابوری، حسن بن محمد، تفسیر غرائب القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.